

فهرست

۱۴۸	گام مدال	فصل نهم	۶		پیش گفتار
۱۵۳	دیگر گام‌ها	دیگر گام‌ها			
۱۶۲	آکوردها و همزمانی	فصل دهم	۸		مقدمه بر چاپ جدید
۱۶۲	آکوردهای شبه فاصله	آکوردها			
۱۶۵	آکوردهای ناهمسان (فواصل متغیر)				
<hr/>					
بخش اول: تمرین‌های ملودیک					
<hr/>					
			۱۴	گام‌ها و روابط بین آنها	فصل اول
			۱۵	گام‌های ماژور و مینورهای بین آنها	گام‌ها و فواصل
			۱۶	نسبت بین گام‌های ماژور و مینور	
			۱۷	شناخت فواصل	
			۱۸	انواع فاصله	
			۲۰	فواصل آنارمونیک	
			۲۲	خواندن دوم‌ها	فصل دوم
			۲۲	دوم بزرگ	دوم‌ها
			۲۴	دوم کوچک	
			۲۷	خواندن گام‌های ماژور و مینور	
			۳۶	پنجم درست	فصل سوم
			۴۰	چهارم درست	چهارم درست
			۴۳	ترکیب پنجم درست با چهارم درست	و پنجم درست
			۵۲	سوم بزرگ	فصل چهارم
			۵۵	سوم کوچک	سوم‌ها
			۵۸	ترکیب سوم‌های بزرگ با سوم‌های کوچک	
			۷۵	کلیدهای آلتو و تنور	فصل پنجم
					کلیدهای دیگر
			۸۴	ششم بزرگ	فصل ششم
			۸۷	ششم کوچک	ششم‌ها
			۸۹	ترکیب ششم بزرگ و کوچک	
			۱۰۵	هفتم کوچک	فصل هفتم
			۱۰۹	هفتم بزرگ	هفتم‌ها
			۱۱۴	ترکیب هفتم کوچک و بزرگ	
			۱۳۱	فاصله تریبون (سه پرده‌ای)	فصل هشتم
			۱۳۵	دوم افزوده	فواصل آنارمونیک
			۱۳۸	ششم افزوده و هفتم کاسته	
<hr/>					
			۱۴۸	فصل نهم	
			۱۵۳	دیگر گام‌ها	
			۱۶۲	آکوردها و همزمانی	
			۱۶۲	آکوردهای شبه فاصله	
			۱۶۵	آکوردهای ناهمسان (فواصل متغیر)	
<hr/>					
بخش دوم: تمرین‌های ریتمیک					
			۱۶۸	مختصری در باب ریتم	
			۱۷۱	جدول ارزش‌های ریتمیک	
			۱۷۵	ریتم‌های دو ضربی ساده	
			۱۷۸	ریتم‌های سه ضربی ساده	
			۱۸۲	ریتم‌های چهار ضربی ساده	
			۱۸۵	سنکوپ (ضد ضرب)	
			۱۸۶	آناکروسیس و آپ بیت	
			۱۸۸	تقسیمات لنگ در ریتم‌های ساده	
			۱۹۶	ریتم‌های ترکیبی	
			۱۹۷	ریتم‌های ترکیبی دو ضربی	
			۲۰۰	ریتم‌های ترکیبی سه ضربی	
			۲۰۳	ریتم‌های ترکیبی چهار ضربی	
			۲۰۶	دیگر ریتم‌های ترکیبی	
			۲۱۱	ریتم‌های پنج ضربی	
			۲۱۵	ریتم‌های هفت ضربی	
			۲۱۸	تقسیمات ریتم‌های ترکیبی در الگوهای لنگ	
			۲۲۰	دیگر ریتم‌های مختلط	
			۳۳۲	ترکیب ریتم‌ها	
			۳۳۶	تقسیمات پیچیده ضرب	
<hr/>					
بخش سوم: مطالب اضافی برای تمرین و مرور کردن					
			۳۳۴	ملودی‌های از شانت‌های گریگوری برای مرور کردن	
			۳۵۲	قطعه‌های گروهی برای مرور کردن و تمرین بیشتر	

پیش‌گفتار

مقدمه

آموزش سلفژ از طریق فواصل و ریتم: موضوع کلی تمرین‌های این کتاب خواندن انواع موسیقی از طریق سلفژ می‌باشد. هر فصل از بخش اول «تمرین‌های ملودیک»، سه نوع از تمرین‌های عملی را ارائه می‌دهد. یک دسته از تمرین‌ها که فقط بر روی روابط بین فواصل تمرکز دارند، تمرین‌های ملودیکی که از موسیقی کلاسیک برگرفته شده‌اند. و قطعات معاصر ریتمیک که بر فواصل خاص مورد بحث تمرکز دارند و نیز تمرین‌های عملی دیگر دوئت و کانون‌هایی هستند که در فصل‌های ۴، ۶، ۷، ۸، ۹ ارائه شده‌اند. قسمت عمده فصل‌های مربوط به بخش دوم «تمرین‌های ریتمیک»، بیشتر بر جنبه‌های ریتم خوانی متمرکز هستند و بخش سوم تمرین‌های بیشتری برای تمرین کردن و مرور می‌باشد که تمرین‌های بیشتری از موسیقی کلاسیک و آثار مجلسی است که در این بخش یا دیگر بخش‌ها با آکومپانیست اجرا شده‌اند.

تمرین‌های ملودیک:

برای درک و خواندن موفق فواصل شما باید توانایی تشخیص صحیح تمام صداهای روی، بالا و پایین خطوط حامل را در هر یک از کلیدهای تریبل (کلید سل) و کلید باس (کلید فا) داشته باشید. هر مجموعه از تمرین‌های ملودیک در مسیرهای ویژه‌ای که شما رابه این هدف نزدیک تر خواهند کرد، پیش می‌روند.

تمرین‌های مقدماتی:

شما باید خواندن تمام فواصل در تمرین‌های مقدماتی و دیگر تمرین‌های ملودیک در بخش اول را بسیار آهسته شروع کنید و برای سرایش (سلفژ) صحیح آنها تلاش کنید. برای تثبیت شخصیت‌هایی واحد و یک پارچه از صداها در گوش شما، هر فاصله را جداگانه تمرین کنید که وقتی نُت نوشت آنها را می‌بینید توانایی اجرایشان را داشته باشید. بعداً که روابط بین فواصل (و نیز خود فواصل) در گوش شما تثبیت شد، باید خواندن سریع تر و در تمپوهای آزادتر تمرین‌ها را شروع کنید.

تمرین‌های غیر ریتمیک:

تمرین‌های غیر ریتمیک در فصل دوم دارای مایه نما هستند، چرا که بر اسلس گام‌های ماژور و مینور پایه ریزی شده‌اند. اگر چه متوجه خواهید شد که، مایه نماها در تمرین‌های فصل سوم به بعد به کار برده نشده‌اند، در عوض هر جا لازم بوده به صورت علامت‌های عَرَضی نوشته شده‌اند، به این دلیل که شما روی این فواصل به صورت مجزا متمرکز شوید. تمامی علامت‌های عَرَضی در تمرین‌های غیر ریتمیک فقط در نُت‌های متقدم و اولیه نوشته شده‌اند. اگر صدایی سریعاً تکرار شود و یا سکوتی برای جدا سازی نُت‌ها (صداها) نوشته نشده باشد، تثبیت علامت‌های عَرَضی برای تکرار نُت‌ها مناسب خواهد بود. سکوت‌های این تمرین‌ها فقط پیشنهادهایی برای اجرا می‌باشند.

مثال‌های ملودیک از موسیقی کلاسیک:

مثال‌های موسیقی کلاسیک از دوره‌ی قرون وسطی تا دوره‌ی معاصر انتخاب شده‌اند. مشابه تمرین‌های غیر ریتمیک این

تمرین‌ها منحصراً برای تمرکز بر روی یک فاصله خاص انتخاب نشده‌اند، آنها برای تمرکز بر اکثر فواصل و نیز در دستیابی به وضوح صداها در گوش هنرجویان موثر هستند. گزیده آثار موسیقی کلاسیک با نشانه‌های تمپو و یا علائم متروم ارائه شده‌اند هر تمرین را از تمپوهای آهسته شروع کنید و به تدریج در تمپوهای سریع‌تر آنها را اجرا کنید.

ملودی‌های ویژه برای تمرین فواصل خاص:

در قسمت‌های پایانی هر فصل ملودی‌هایی ارائه شده که شمار زیادی از نت‌های عَرَضی در آنها به کار رفته است. بعضی از آنها ضرورتاً در یک گام خاص و واحد نیستند ولی شامل الگوهای با صدای هستند که مدولاسیون‌هایی به دیگر گام‌ها را باز می‌نمایانند، و در فراشد این تمرین‌ها معلوم می‌شود که هر کدام دارای یک یا چند مرکز تنال هستند که بهترین روش برای تسلط بر آنها استفاده از فواصل می‌باشد.

دوئت و کانون: دوئت‌های ارائه شده در پایان فصل‌های ۴ و ۸ و ۹ برای تمرین بیشتر و تثبیت فواصل هم‌ملودیک و هم‌هارمونیک می‌باشند. در فصل‌های ۴ و ۶ و ۷ کانون‌هایی ارائه شده‌اند که پلی فونی هستند و شیوه‌ی بسیار مهمی را برای یادگیری فواصل هارمونیک پایه ریزی می‌کند. بیشتر این کانون‌ها شما را به خواندن خطوط مشکل‌تر به مبارزه می‌طلبند و سعی کنید آنها را در بهترین حالت اجرا کنید.

تمرین‌های ریتمیک:

موضوع این بخش خواندن انواع موسیقی به صورت سلفژ می‌باشد، توانایی خواندن هر اثر موسیقایی با استفاده از ریتم‌های صحیح برای اجرای درست تر صداها و ملودی‌ها.

تمرین‌های ریتمیک در بخش دوم باید در ابتدا آهسته تمرین شوند و به تدریج به سرعت اجرای آنها افزوده شود. در نکات مختلف بخش اول رهیافت‌هایی برای تمرین کردن ریتم خاصی و یا مجموعه‌ای از تمرین‌هایی از بخش دوم داده شده است. به عبارت دیگر برای سهل‌تر اجرا کردن ریتم ملودی‌های برگزیده رهیافت‌هایی ارائه شده. پیشنهاد می‌کنم که تمرین‌های ریتمیک بخش دوم هم‌زمان با تمرین‌های غیر ریتمیک و فاصله‌ای از بخش اول تمرین شوند. می‌توانید به تناوب فصل‌های مربوط به فواصل را با فواصل مربوط ریتمیک تمرین کنید و یا می‌توانید قطعه‌ای با ترکیب ملودی‌های بخش تمرین‌های غیر ریتمیک با الگوهای ریتمیک خودتان خلق کنید. (مقدمه شامل برخی پیشنهادات می‌باشد که چگونه جنبه‌های مختلف دو فصل را با هم ترکیب کنید). این فراشد کمک می‌کند که قطعه‌های برگزیده از موسیقی کلاسیک را بهتر اجرا کنید. مطالب اضافی برای تمرین و مرور: مطالب در برگزیده فصل سوم می‌تواند در طول مطالعه‌ی بخش‌های اول و دوم استفاده شوند از طرف دیگر آنها می‌توانند به راحتی در انتهای تمرین‌های مربوط به فواصل و ریتم تمرین شوند. ملودی‌های برگزیده از موسیقی کلاسیک (ارائه شده در فصل ۱۶) به صورت گاه‌شناختی از قرن شانزدهم تا قرن بیستم تنظیم شده‌اند. اگر شما به مباحث بخش‌های اول و دوم تسلط کافی داشته باشید اجرای تمرین‌ها مشکل نخواهد بود. برای سلفژ این تمرین‌ها می‌توانید نت‌های آغازین هر تمرین را از پیانو یا ساز دیگری بگیرید، بعد از گرفتن نت‌های آغازین خواندن تمرین را به صورت a cappella (خواندن بدون همراهی ساز) ادامه دهید.

فصل پنجم

دیگر کلیدها:

کلیدهای Alto و Tenor

تا اینجا در طی فصل‌های گذشته، فقط ملودی‌ها را در کلیدهای سل و فا (باس) تمرین می‌کردیم ولی در سنت موسیقی غرب از دیگر کلیدها برای نوشتن آهنگ با سازهای مختلف استفاده شده است و این امر برای کاستن تعداد خطوط حامل فرعی بوده و بسیاری از این کلیدها، خیلی نیست که استفاده می‌شوند. کلیدهای دیگر مانند کلید سوپرانو اخیراً به وجود آمده‌اند. و معمولاً کلیدهای موسیقایی پر کاربردی نیستند ولی دو کلید آلتو (Alto) و تنور (Toner) بیشتر از بقیه کلیدها به کار برده می‌شود کلید آلتو «دو» می‌میان در خط سوم حامل مشخص می‌شود.



و دیگر کلید تنور با کلید دو در خط چهارم حامل مشخص می‌شود.



اگر بتوانید جای نت C میانی را در این کلیدها تشخیص دهید، خیلی راحت می‌توانید بقیه نت‌ها را روی خطوط حامل پیدا کنید.



چرا این کلیدها را مطالعه می‌کنیم؟ خیلی ساده، امروز در اکثر قطعات با آنها برخورد می‌کنیم.

و به یاد داشته باشید که اگر کلید دو روی خطوط حامل مشخص شده قرار گرفت، شما باید بتوانید بقیه نغمه‌ها را متناسب با آن کلید تشخیص

دهید.

کلید آلتو برای نت نوشت آهنگ‌ها با ساز (ویلن آلتو) به کار می‌رود که در نت نوشت آهنگ‌های قرن ۱۸ و ۱۹ برای بخش آوازی ترومبون آلتو نیز استفاده می‌شد.

کلید تنور معمولاً برای منطقه صوتی بالایی ساز ویلن سل (cello)، کنترباس و باسون و در بخش آوازی تنور به کار برده می‌شود. در این فصل با نوشتن و خواندن تمرین‌ها به شناخت آن‌ها می‌پردازیم.

فصل یازدهم

مختصری در باب ریتم:

موسیقی از هنرهای وابسته به زمان می‌باشد، بدین معنی که موسیقی را مثل نقاشی یا عکس نمی‌توان در یک لحظه دید بلکه موسیقی در طول زمان گسترش می‌یابد و ما آنرا می‌شنویم.

راهی که ما می‌توانیم تشخیص دهیم موسیقی وابسته به زمان (تا وابسته به مکان) می‌باشد، چهارچوبی است که ریتم نامیده می‌شود. ریتم را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

۱- ریتم، سازمندی نغمه‌ها در الگوهای شناخت پذیر می‌باشد.

۲- ریتم، کیفیت دوره‌های (منظم یا نامنظم) در انواع مختلف موسیقی می‌باشد.

۳- ریتم، فهم وسیعی از سازمندی زمان می‌باشد.

به طور نسبی می‌توان گفت یک صدای غیر تکراری نمی‌تواند ریتم محسوب شود اگرچه می‌تواند جزئی از یک الگوی ریتمیک باشد. در این بخش ترکیباتی از کشش‌های مساوی را ضرب یا ضربان می‌نامیم.

سازمندی ضرب‌ها که در ۲ و ۳ و ۴ تکرار می‌شود متر نامیده می‌شود.

متر، از قرار گرفتن تاکید یا آکسان گذاری روی اولین ضرب هر الگوی ریتمیک (یا گروه صوتی) ساخته می‌شود. بدون به کار بردن آکسان‌ها، نت می‌توان گفت ریتم مضمونی ندارد. در اینجا سه شیوه‌ی اساسی برای آکسان گذاری (باز شناخت آکسان‌ها) معرفی می‌شود:

۱- آکسان‌های دینامیکی:

تغییر در آکسان با صدایی قوی‌تر (بلندتر) اجرا می‌شود:



۲- آکسان‌های آگوتیک:

تغییر در مورد تاکید طولانی‌تر (با ارزش زمانی بیشتر) از بقیه نغمه‌ها اجرا می‌شود:



۳- آکسان تونیک:

تغییر دیگری هم برای دستیابی به آکسان گذاری وجود دارد با وزن هارمونیک.

